وله

اینست

کتاب طلسمات مشهور بمریخ

بند حضرت ادریس منقول از

بلیناس حکیم علیه الرحمه

وبه بسم الله الرحمن الرحیم نستعین

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد وعترت الطاهرین اما بعد

بدانکه این نسخه ایست از اسرار علم الهی پوشیده بر خلایق واز اینجاست

علم باز داشتن در هوا و نزول مایده از آسمان و بهم رسیدن ابر و

غیره و بسخن آوردن اموات و اطلاع بامور مخفی و برطشت و برکه

مخفی شدن و اطلاع بر حالات شهرها و حوادث و باز داشتن آب

و از دیدن و روان کردن آب بمسابقت و اعمال عجیبه چون حمام مریخ

که در انطاکیه بوده اند و در زیر او چراغی میسوزد و طلسم عقارب و موذیان

و امثال آن و جهت حفظ و صحت و سقم و استخدام ارواح و در قید

آوردن حیوانات رمنده و سوار شدن بر ایشان و اکسیر از شمس و

قمر و صبغ اکسیر که بکجر و سیر طلها افکند اضعاف آن شود و اطلاع بر خزاین

و دفاین و کنوز و نهانهای زیر زمین و دانستن زبان مرغان و سخنان

ملوک و قتل اعدای سلام و محبت و الفت و برانگیختن و زبان بستن

و عکس آن و بجواب کردن و خراب بستن و بگشتن آن و دل بردن

و ویران کردن منازل و سنگسار کردن و صاعقه انگیختن و سوختن

و آب مسلط کردن بر کسی و غرق کردن هر مکان که خواهد و خراب

www.fmehr.com

http://www.fmehr.com

نا رواج و ارسال قحط و بلا و بستن جو نهاد و دیگر اعمال و اینرا حضرت ادریس ع
بیرون آورده از موضع مدفون که با خم بوده است و بعد از آن
که فوت شده باز مخفی ماند در موضعی بطلمیوس بواسطه خواب دیدن
بیرون آوردن بلیناس حکیم و اعمال عجیب از وصادر شد والله اعلم
و اسماء مذکور اینست الاسماء المبارکات المطهرات الزاکیات

١ الکائیل ٢ مرقوش ٣ هیطلا ٤ کرفاش ٥ ارصون
٥ هیهر ٦ مرموایا ٧ مطاش ٨ بیطلاش
٩ بربرقوش ١٠ عجلاس ١١ سیسطفاس ١٢ مرهروش
١٣ صقاهیفما لیتخ ١٤ یاروت ١٥ سرطاقیمو بیس
١٦ سفصاطا فود ١٧ ابرمایا لیونیس ١٨ اهففها
کیثارت ١٩ اجمعا یا یاد نیوش ٢٠ کفالحیس ٢١ اغیا
ریا الفشیم ٢٢ بهیا یا ویا لوطریس ١٣ ارطاکانک
هبتا ٢٤ لیتحیان ٢٥ لسفهما ٢٦ مدحالیح ٢٧ عحسملون
٢٨ سکامالاوت ٢٩ سجدیالاقربوت ٣٠ ارنیانیو
س ٣١ هیفرقاودین ٣٢ میفتی یاوس ٣٣ سیلسا
لا نمین ٣٤ اونامس . تعمعون . این نامها
و در اینجاست سری که پنهان داشته اند و اعداد اسم و حرف و هر اسمی را
حرفیست که اضافت کنند برو و در وقت عمل عدد پنهان اعمال گفته خواهد
شد آمد از کیفیت و کمیت و حروف مذکور اینست ١

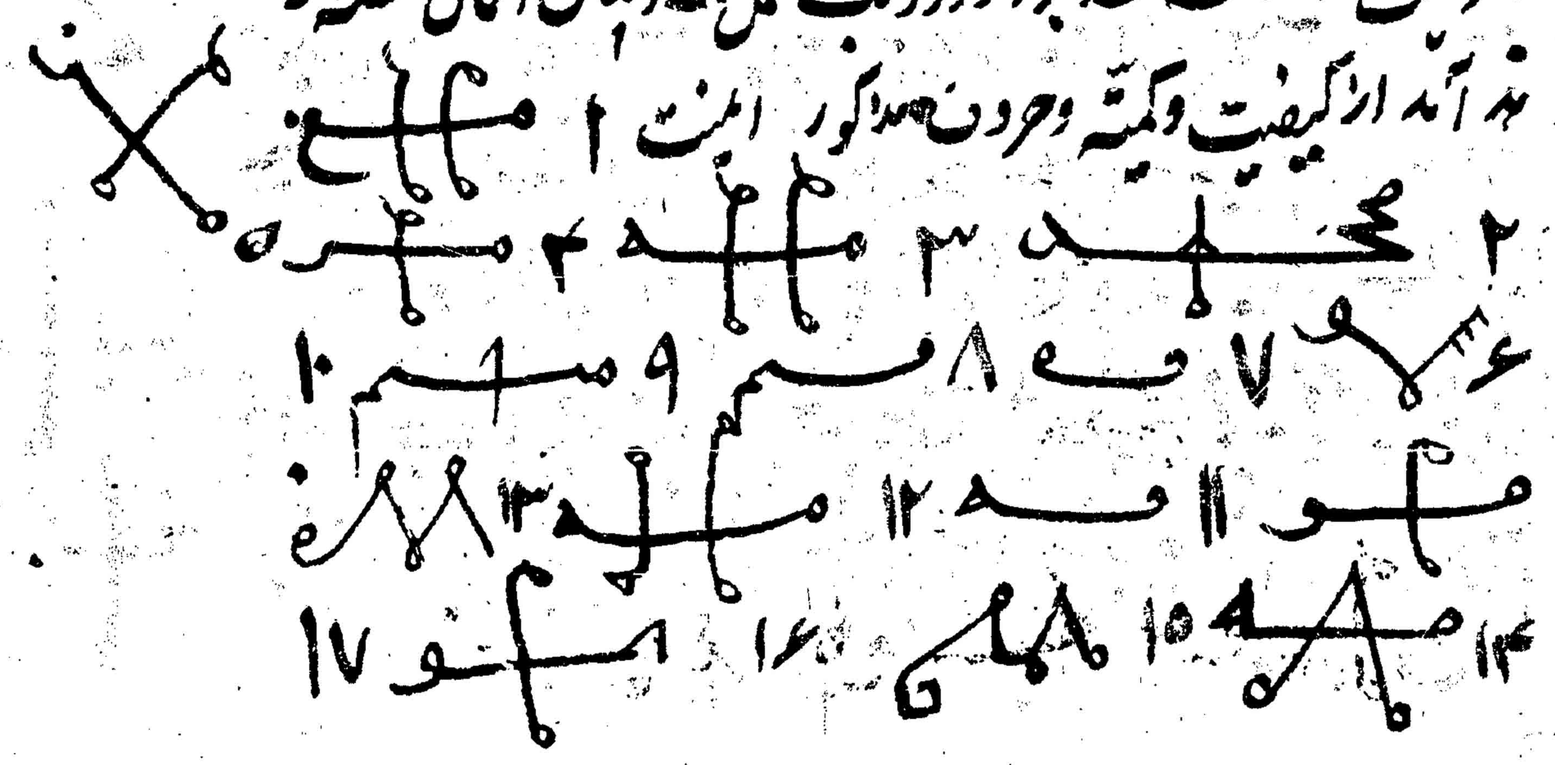

نسخه بدل

١ انکائیل ٢ مرموش ٣ هیطلا ٤ کرفاش ٥ ارمون ٦
میهموبا ٧ مرموایا ٨ امطاش ٩ بیطلاش ١٠ مربرقوش ١١
عجلاس ١٢ سیسطفاک ١٣ مرهروش ١٤ اسقاهیقما کیتج ١٥
بادوق ١٦ اسرطاقیموس ١٧ سفسالاعود ١٨ ابرماطالیوس ١٩
هففها کیتارث ٢٠ جمعا یا یادنیوس ٢١ کفالحیس ٢٢
اغیاریا انفشیم ٢٣ بهیا یاولوطریس ٢٤ ارطماکانک مهتبا ٢٥
لیتحیان ٢٦ لسفهما ٢٧ مدحالح ٢٨ عحسملان ٢٩ سکامالاولا ٣٠
سجدیالاقربون ٣١ ارنیانیوس ٣٢ میهفرقاودین ٣٣
مفتریاوس ٣٤ سلسالامین ٣٥ اونامس تعمعون ٣٦

http://www.fmehr.com

http://www.fmehr.com

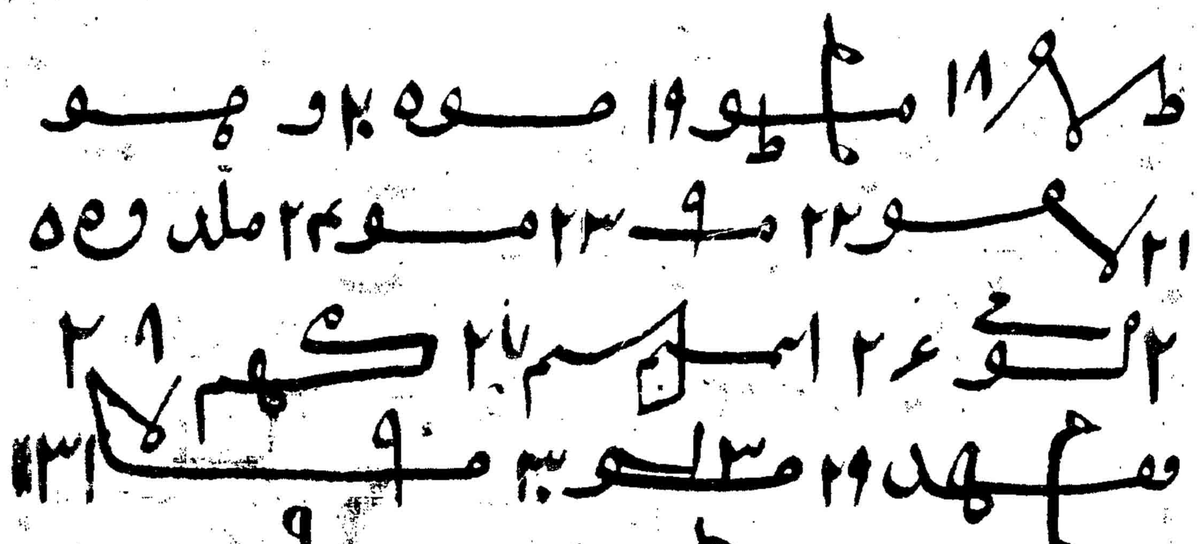

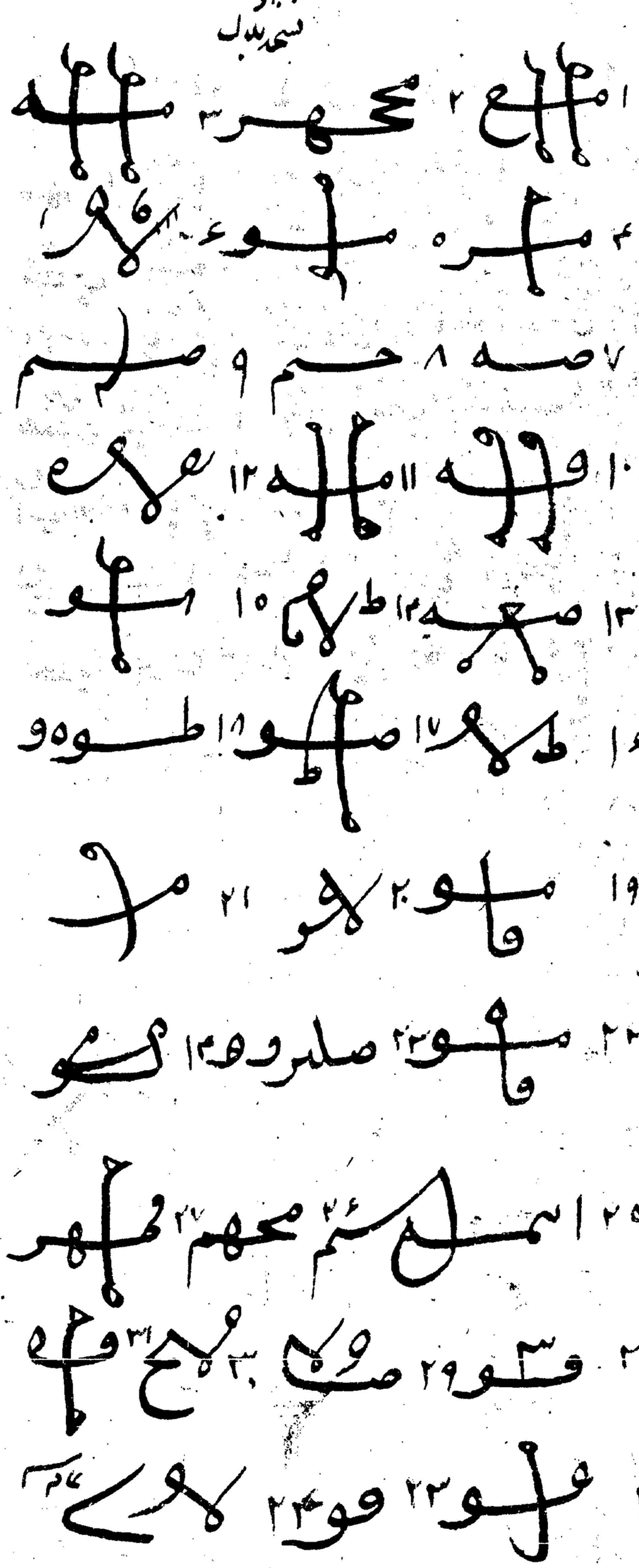

باب اوّل عمل حمام بر تیغ شکلی

بسازد از مس و دید کدانه هم از مس صورت را چنان نهد که گویی
آتش میکند و بر بازوی شخصی اسم اوّل و چهارم بنویسد و طالع
برج اسد یا قوس یا حمل باشد و روز سه شنبه بود که عمل حمام را
بنا کند بر هر چه خواهد بخور کند صورت را بلبان و اصطرک و نقاش
ضایع باشد پس دفن کن در گلخن جایی که ساخته است پس چراغی
برافروز از مس بیک فتیله و به بند خاصیت اسم و چون آن آیه
تعالی و این اسرار عجایب است باب دوم طلسم العقارب عقرب بساز
از مس و بر پشت او نام پنجم بنویسد و یکم در طلوع جوزا و آفتاب
در درجه عاشر باشد از برج در دهن او طبا بنهد هندی نهد
و دفن کند در هر موضعی که خواهد بقدرت الله کژدم در آن موضع
نیاید و اگر آید نگزد باب سیم اسب پرنده یا راکب صورت اسبی
بسازد خوردار آبنوس و آبگینه در چشم خانه اش گذارد و در
زیر او اندک قلعبی بیاکند نقش کند بر روی اسب اسم آدم
و حرف پنجم و چهار چوب ارنید از چهار جانب او فرو برد
و در پیش صورت لبان بخور کند در طلوع جوزا و عطارد در سنبله
و روز سه شنبه پس روی اسب را بجانب مطلوب کند و کسی بر او
سوار شود چشمها را بر هم نهد و اسب را در زیر ران بطریق مرکب

نگاه دارد

نگاه دارد پس در یک لحظه بمنزل مقصود برسد بشرطی که زیاده از
دویست فرسخ نباشد باب چهارم انزال مایده و اظهار سایه و تکلیم
اموات و بحال آوردن بیهوشان بنویسد اسم بخیم و نهم و حرف یکم
و هجدهم در کاغذ چینی بآب ایشه بریزد در طلوع حوت که قمر ناظر به
مشتری و به تثلیث در ساعت و به پرسد آنچه خواهد گفته شد
که مقصود حاصل شود باب پنجم در اعمال مشکله و دانستن
آنچه در شهرها واقع شود بنویسد بخیم بیستم و صورت بکش مانند
زمین بر ورق کاغذ و به طالع قوس و زحل در سحت الارض پس منزل
بکش در زمین و بنشین اندرون بنویس نام و حرف مذکور را در ورق
دیگر بشرطی که روزه باشی و بخورد عود و لبان بر آتش نهی بعد از
این حال شخصی ظاهر گردد و رقت کند و خبر کند ترا از آنچه خواهی
از مرادات و آنچه پیدا خواهد شد باب ششم عمل اسبان و ران
دن و باز داشتن و الفت دادن و رهانیدن ایشان فرا گیرد
بجول گرگ و بنویسد بروی نام ششم و حرف بیست و هشتم و در روز
سه شنبه که طالع از برج هوایی باشد و آفتاب را با عطارد قران باشد
و بر گردن اسب بندد وقتی که در میدان مسابقت بیرانند البته
سبقت نماید و چون خواهد که اسب را از خداوندش برماید فرا
گیرد کعب مذکور را و در خاک بیفکند و آن خاکرا در علیق اسبی که
خواهد رهانید بپاشد و بعد از آن تماشا کند و چون خواهد که
الفت دهد اسب را بستاند انگبین را در عسل افکند و اسب را بآب
بدهد تا بخورد و اگر بخورد نزد او بپاشد و اگر خواهد اسب را بیندد
چنانکه نتواند جنبید این کعب را بر گوش چپ وی بندد و چون
بر اسب عیبی باشد و خواهد که ظاهر گردد فرا گیرد این کعب را در آبی

که زعفران در وافکند بود بالد در روی اسب اگر معیوب بود در
حرکت و اضطراب آید پیوسته و کجهه ناخنه از دو چشم بیاویزد
و از جهت تمام عمل نیکو بود در گردن اسب بستن البته زایل میشود
باذن الله تعالی باب هفتم عمل اخفا چون خواهی که عمل کنی نسخه
پوست کفتار دباغت کن و شکلی آهنی از وی بساز و باندازه
نشر و اندرون او به پوست شغال آستر کن و اسم سیم و حروف
دوم را بر کاغذی مصری بنویس بکوب سپید انجیر وقتی که طالع
برج سنبله باشد یا در بیت هشتم دلالی یا بیت نهم و مشتری
در کت الارض باشد و در میان این دو پوست بند مانند
عصابه و بپوش که مخفی شوی و اگر بر چهارپای سوار باشی
باب هشتم در گردانیدن سنگها از حالی بحالی وضع در وی در
آوردن و لون دادن و عمل صنعت و چون خواهی که حجری شود
از هر حجری که خواهی اسم سیم و بیت هشتم بگیر و از
حروف تاسع عشرین و ثالث بنز نقش کن بر پاره بلور صافی
و طالع برج سرطان و ماه در درجه یازدهم در روز شنبه پس
عمل کند آنگه دسبیکه کند و در هر وقت که خواهد پس چون
خواهی که یاقوت گردد در سبیکه در وی افکند آخر این مغنیسیا
در مقابل وی بدارد و در آن وقت بنام بزرگوار و در خون
عنبر افکند و بهم زند و خشک کند و بتراش از وی نگینها بدان
مقدار که باید و اگر در خواهی در حال سبیکه در وی افکن و زر
بخار حمصی در آب کاسنی بریزد پیه بز در مقابل اسم بدارد
و اگر فیروزه خواهد بیفکند سرو در وقت سبیکه مغنیسیا و لاجورد
بیاسیند چندانکه خواهند و اگر لعل آفتاب خواهد فرا گیرد

رصاص اسود و بگذارد و در آب قتاء انجار افکند چند بار پس سبکه
کن در میان عمل کثیر افکن و این جوز است یا شمس شود و
نهین کن با فرار و با اسم امتزاج ده پس فراگیر برادهٔ ذهب از برای
هر یک از داروی که ذکر کرده شد یکمثقال و تکلیس در انائی سنگین
کن و همه را در آتش اندازد سه شب و روز بعد از آنکه مطهر کرده
باشد پس بیرون آر و بسای و نیکو و مقابل وی بدار نامی که ذکر
رفت و بجوز کند و سه شب مقابل مشتری و اگر فوق الارض و الا
در مقابل ذنب النفس بدارد و محکم نگاه دارد و چون خواهد عمل کرد
مندل جریع بکشد و او را در بنا شد در میان آن بنشیند و
در گردان مندل بکشد که او را در بنا شد و در میان آن بنشیند
و در گردن آن ریسمان سیاه باریک بپیچد و بجوز کند و عود و لبان
و ناخن طیب و بیرون آرد اسم را و سبکه کند نفس را با قلعی با
زیبق را بیفکند هر مثقالی از این اجساد یک قراط و نیم زر و دانی
که محکم کرده است که اکسیر زر ابریض خالص و چون خواهد که نقره
سازد بگیرد قشر البیض و تکلیس کند در اتون فخار و حل کند و بر
افکند کبریت حمرا دو مثقال از این و ده هزار مثقال از رصاص
یصیر فضه و این تدبیر اگر در آهن یا زیبق یا رصاص کند حد اصلی
و طبیعتش برود که آن زر است و نقره ببرکت اسم اعظم و مخفی
است گردانیدن فضه یا ذهب باب نهم در بیرون آوردن
کنوز یکمثقال رصاص اسود و در روز استقبال یزین در سیز
دهم یا چهاردهم ماه باید که طالع برج دلو باشد و مشتری در وی
نقش کند و صورت آدمی سرنگون بر وی و در دست
راست او نام نهد و در دست چپ او حرف شم

http://www.fmehr.com

که زعفران در وی افکند بود بالا در روی آب اگر معیوب بود در
حرکت و اضطراب آید پیوسته و بجهت ناخنه از دو چشم بیاویزد
و از جهت تمام عمل نیکو بود در گردن آب بستن البته زایل میشود
باذن الله تعالی باب هفتم عمل اخفا چون خواهی که عمل کنی بستان
پوست کفتار را بافت کن و شکلی آهنی از وی بساز و با بند آزه
بستر و اندرون ادبه پوست شغال آستر کن و اسم سیم و حروف
دوم را بر کاغذی مصری بنویس بکوب سپید انجیر وقتی که طالع
برج سنبله باشد یا در بیت هشتم و هلال یا بیت نهم و مشتری
در کت الارض باشد و در میان این دو پوست بند مانند
عصابه و بپوش که مخفی شوی و اگر بر چهارپای سوار باشی
باشتم در گردانیدن سنگها از خالی بحالی وضع در وی در
آوردن و لون دادن و عمل صنعت و چون خواهی که حجری شود
از هر حجری که خواهی اسم سیم و بیت هشتم بگیر و از
حروف تاسع عشرین و ثالث نیز نقش کن بر پاره بلور صافی
و طالع برج سرطان و ماه در درجه یازدهم در روز شنبه پس
عمل کند آبگینه و سبیکه کند و در هر وقت که خواهد پس چون
خواهی که یاقوت گردد در سبیکه در وی افکند آخرین مغنیسیا
در مقابل وی بدارد و در آن وقت بنام بزرگوار و در خون
عنبر افکند و بهم زند و خشک کند و بتراش از وی نگینها بدان
مقدار که باید و اگر در خواهی در حال سبیکه در وی افکن و زر
بخار حمصی در آب کاسنی بریزد پیه بز در مقابل اسم بدارد
و اگر فیروزه خواهد بیفکند بر و در وقت سبیکه مغنیسیا و لاجورد
بیاسیند چندانکه خواهند و اگر بعمل آفتاب خواهد فرا گیرد

رصاص اسود و بگدازد و در آب قتاء اسحاق افکند چند بار پس سبکه
کن در میان عمل کثیر افکن و این جوز است یا شمس شود و
نهین کن با فرار و با سم امتزاج ده پس فراگیر برادهٔ ذهب از برای
هر یک از داروی که ذکر کرده شد یکمثقال و تکلیس در انائی سنگین
بکن و همه را در آتش اندازد سه شب و روز بعد از آنکه مطهر کرده
باشد پس بیرون آر و بسای رنگو و مقابل وی بدار نامی که ذکر
رفت و بجوز کند و سه شب مقابل مشتری و اگر فوق الارض و الا
در مقابل بناب النفس بدارد و محکم نگاه دارد و چون خواهد عمل کند
مندل جرع بکشد و او را در بناشد در میان آن بنشیند و
در گردان مندل بکشد که او را در بناشد و در میان آن بنشیند
و در گردن آن ریسمان سیاه باریک بپیچد و بجوز کند و عود و لبان
و ناخن طیب و بیرون آرد اسم را و سبیکه کند نسر را با قلعی با
زیبق را بیفکند هر مثقالی از این اجساد یک قیراط و نیم از دوائی
که محکم کرده است که اکسیر زر ابریض خالص و چون خواهد که نقره
سازد بگیرد قشر البیض و تکلیس کند در اتون فی رد حل کند و بر
افکند کبریت حمرا دو مثقال از این و ده هزار مثقال از رصاص
یصیر فضة و این تدبیر اگر در آهن یا زیبق یا رصاص کند حد اصلی
و طبیعتش برود که آن زر است و نقره بسرکت اسم اعظم و همچنین
است گردانیدن فضه یا ذهب باب نهم در بیرون آوردن
کنوز یکمثقال رصاص اسود و در روز استقبال یزین در سیزدهم یا چهاردهم ماه باید که طالع برج دلو باشد و مشتری در وی
نقش کند و صورت آدمی سرنگون بر وی و در دست
راست او نام نهد و در دست چپ او حرف شم

http://www.fmehr.com

و چون خواهد که واقف گردد بر گنوز و دفاین در موضعی که سنگ دارد
بگیرد این صورت را بدست راست و بگیرد طاسی که مدور باشد و آب
در آن کند و مجمره بیارد و عود و لبان و صورت را در آب افکند
رود بموضع مدفون و در آن جا بنشیند باب دهم انفاس
در طلسمات و بر که نقش کند اسم دهم و چهاردهم و حرف دوم
و نهم بر پوست آهو بره بطالع سرطان روز سه شنبه و در دهن نگاه
دارد و خود را در طلسمات و بر که اندازد پس چون بیرون آید
یخفی عن العین الناظرین گردد باب یازدهم در استخدام ارواح و
فرود آمدن ستارگان و پیدا کردن دریاها و کانها و بتانها
و استخدام کالبدهای آتشین و روا کردن حاجات و دل فرا
گرفتن بگیرد خاتمی از رصاص قلعی و نقش کند بر او نام یازدهم
و هیجدهم و بیست و یکم و چهارم و یازدهم از حروف هفدهم و بیست
و پنجم از او یازدهم و اول و دوم و بیستم از او و طالع عقرب
باشد و زحل در وی و خاتم را بجوز کند بمصطکی و موی
خوک پس نگاه دارد پس چون خواهد که ارواح را مسخر
گرداند مندلی بکشد و بجوز کند بلبان و خاتم را در مندل
فکند که ارواح حاضر شوند و با ایشان سخن گوید و هر چه
خواهد و به همه اعمال برین نسق برود و ترسیدم که بدست نااهل افتد
و الا شرح بلیغ نوشتم باب دوازدهم در اعمال سیمیا و بجمیع
بابها و نوعها بنویسد اسم بیست و نهم و حرف سیزدهم بطالع
حوت و مشتری در وی بر کاغذ نمرقندی بقلم نافارسی
و بجوز کند بعود و مصطکی و سنبل پس چون خواهی که ظاهر گردانی
عجایب پس صورت آنکس را که خواهی بکش در نهایت امکان

خسن و بیفکن خاتم را در میان آن و سوگند بنام منقوش و آن بیت
و نهم نام است تا ظاهر شود آنچه خواهد باب سیزدهم عطف است
چون خواهی مهربان گردان پس از موم صورتی بساز مانند طالب
و مطلوب و روی هر دو بهم باز باید نهاد و هر دو را در طشتی باید نهاد
و باید که طالع یار باشد و زهره در ناظر به تدلیس و بعود و لبان
بجوز کند و نقش کند بر صورت معطوف علیه اسم هیجدهم
و حرف چهاردهم همچنین کند تا صورت دوم پس بگیرد زعفران و
گلاب و بیفکند بر سر صورت مذکور تا فرود آید بناف این شخص
از معطوف علیه صبر نتواند کرد تا حاضر شود نزد او باب چهاردهم
قتل اعداء و غرق کردن و بیخواب کردن و عکس آن و ارسال
صواعق پس خاتمی بسازد از آهن و زحل باشد و در درجه اول
و طالع همان درجه اول و نقش کند بروی اسم هفدهم و بیست
و سیم و حرف دوازدهم و شانزدهم و سی ام هر کدام که
خواهد از این عملها مدل کند و صورت کسی که او را قصد کشتن
دارد و در آنجا باشد و همچنین سوختن موضعی که خواهی یا غرق
کردن یا خون روان کردن یا بیخوابی واقع کردن و صورت
آنکس را تصویر کند هبا شود باذن الله تعالی ظاهر شود آنچه خواهد
باب پانزدهم الفت دادن جانوران و فرو گذاشتن آبها بر کسی
که خواهی و دانستن منطق الطیر و از خیر و شر بگیر از زر و نقره
و آهن و رصاص و مرتیج نگین بزرگ بسازد و بر خاتم نقش
کن بر آن اسم یازدهم و بیست و پنجم و نهم و از حرف
نهم و بیستم و سیم و چهارم بطالع اسد و آفتاب بدرجه
تاسع در روز دوشنبه و خاتم را بجوز کند بموی شغال و بنهد

http://www.fmehr.com

جای چون خواهند که عمل کنند از آنکه گفتی صورت آن کس را بکشد به
نیکوی از آنچه خواهد الفت دادن و مسلط کردن و شبیه آن چنانچه خواهد
نشود و دانستن زبان مرغان و آواز کردن ایشان به پیوند خاتم
در انگشت دست چپ و بخور کند بموی حمد و نه مسلط شود و مرغی
بیاید و در خواب خبر کند او را باب شانزدهم شکستن لشکرها و
حصارها و باز داشتن جویها و فرستادن ملخ و قحط و غیره و
عمال بر عکس این پس چون خواهی که عمل کنی نقش کن
بر سنگی بلور اسم سی و یکم و حرف سی
و پنجم و بیست و پنجم و هفتم
بطالع حمل و زحل و درو
بچون عمل بدی
کنی بخور
کن
بسر کین کلب اسود
در رجعت زحل و صورت
قلعه را خراب کنش و لشکر را صورت
در هزیمت بکش و بخور کن بموی موش چنان
شود و نستن چو جدول آب درو
بسته شده را بکشد و
بخور کن بسکه اکو
سفند و
موم کافوری بطالع
سرطان چنان
شود

تحقیق سیماب . از جهت سرعت انزال نظر ندارد و صفت آن رنیق تلخ
بمثقال یا قدری سرکه که بدستهٔ آبگینه با آهن تیک صلایه نمایند
تا کشته شود و سه مثقال نمک هندی سوده داخل نمایند و مفرقهٔ
آهنین را پر از سرکه سازند و اینها را در آن مفرقه ریزند و بر آتش
نهند و سه مثقال روی سوخته یعنی زانوغ صلایه کنند اندک اندک
بجز دوری بدهند و بدستهٔ آبگینه با آهن ابهر بزنند تا بلغم بعد از
آنرا بوصلهٔ مثقال پاک بیالایند آنچه در کریاس بماند لتا
بنند و چندان بآب بشویند که تمام پاک شود چرک از آن
برود پس آنرا طلوله سازند میان آنرا سوراخ کنند و ریسمانی
در آن بگذارند و در آب لیمون اندازد و یک شب بگذارند تا
محکم شود مانند حجری بعد از آن آنرا در روغن نانوره بجوشانند
و در وقت حاجت در دهن نگاه دارد و چون خواهند آنرا از
بیرون آورند . نادشر .

www.fmehr.com
www.fmehr.com

فروغ مهر

بزرگترین تولید کننده
نرم افزارهای روانشناسی
و کتابخانه های الکترونیکی

www.fmehr.com
www.fmr.ir
info@fmehr.com